

پشت بوم

متقلبان غریبه نیستند

حسین عبدالهاشم‌پور

● یادداشت هفته پیش «دادگاه ویژه اصالت آثار هنری» به قول امروزی‌ها لایک‌های بسیار گرفت اما نقدهایی هم دید؛ برخی ورود قوه قضائیه به یک مبحث هنری را نادرست و طرح وجود آثار جعلی در رسانه‌ها را مغایر با منافع ملی دانستند:

۱- آثار جعلی پیرامون هر کالایی که جنبه سرمایه‌ای می‌یابد شکل می‌گیرد؛ وقتی اثر هنری وارد بازار و بسا ارزش افزوده روبه‌رو می‌شود، لاجرم باید بپذیرد که در معرض چنین آسیب‌هایی هم هست، بنابراین با یک پدیده نامتعارف روبه‌رو نیستیم، آن‌سان که همه‌جای دنیا هنرمندان بزرگ هم‌زادی به نام آثار تقلبی دارند؛ این روزها اما در ایران موضوع، حیرت از وجود چنین آثاری نیست، درد از بی‌حیالی، پرده‌دروی و آزادی بی‌حد متقلبان است که باید پایان یابد؛ البته خبرهای خوبی هم به گوش می‌رسد که امیدوارم به‌طور رسمی اعلان شود.

۲- اتفاقا وجود دادگاه ویژه با شعبه ویژه جهت رسیدگی به اصالت آثار هنری بیانگیز بلوغ جامعه تجسمی است؛ هنر ایران به جایگاهی دست یافته که آثار هنرش جنبه سرمایه‌ای یافته‌اند؛ بازار، خبرهایی درخصوص وجود آثار تقلبی شنیده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای صیانت از میراث هنری و حقوق جامعه هنری، متقلبان را به قانون ارجاع می‌دهد؛ این‌گونه خریدار آثار هنری احساس امنیت و با اطمینان‌خاطر خرید می‌کند.

۳- متأسفانه متقلبان غریبه نیستند؛ نقاشانی که توان تولید کپی سهراب با پیلرام دارند حتما دست قوی‌ای دارند، اما هنرمندانی شکست‌خورده‌اند که برای پول به زدنی با طعم آسیب به منافع ملی دست یازیده‌اند.

۴- در برابر چالش‌هایی مانند چگونگی برخورد با آثار جعلی نمی‌توان نگاه آرمان‌گرایانه داشت؛ باید عمل‌گرا بود، اینکه ممکن است کارشناسان با چندمیلیون‌تومان رای بفروشند و ناسره را سره جلوه دهند، در مسند هر قضاوت دیگری هم ممکن است رخ دهد، مهم این است که گفتار درمانی و افسوس خوردن همه کارمان نشود.

۵- من نیز معتقدم نباید وجود آثار جعلی به تیر تر رسانه‌ها بدل شود و آن را مغایر با منافع ملی می‌دانم؛ بنابراین اگر با وجود چنین اعتقادی این موضوع را با محوریت راهکار پیشنهاد می‌دام به رسانه آورده‌ام، مقصودم ناام‌کردن فضا برای متقلبان است، تقلب‌کارانی که هم تقلب می‌کنند و هم فریاد می‌زنند: «ای درد ای درد»، امیدوارم اقداماتی که زرمه آن پیچیده، به‌طور رسمی و فراگیر انجام شود تا موجبات آسایش خاطر جامعه هنری فراهم آید.

زیر آسمان فیر وزماری

در پی لغو اجرای ارکستر سمفونیک در یک مراسم

رسول خادم به وزیر ارشاد نامه نوشت

● شرق؛ درحالی‌که ارکستر سمفونیک قرار بود هم‌زمان با مراسم پایانی دومین دوره جام باشگاه‌های کشتی آزاد جهان در عصر جمعه ششم آذرماه قطعه‌های «سرود جمهوری اسلامی ایران»، «ای ایران» و «علمدار» را در سالن ۱۲هزارنفری آزادی تهران اجرا کند به دلیل آنکه بخش اعظمی از افراد تشکیل‌دهنده این ارکستر بانوان بودند از ورود آنان به سالن ممانعت و این برنامه لغو شد. رسول خادم، رئیس فدراسیون کشتی روز گذشته با ارسال نامه‌ای به وزیر ارشاد نوشت: «توجه ویژه و گسترده رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های مجازی به ممانعت یابدشده، مؤید حال‌وهوای نامناسب مذکور است. ازاین‌رو سپاسگزار خواهد بود دراین باره و موارد مشابه دستور پیگیری و هماهنگی‌های لازم را صادر کنید». در ادامه این نامه نیز خادم نوشته بود در مراسم افتتاحیه جام جهان‌پهلوان تختی که با حضور نمایندگان کشور خارجی از نقاط مختلف جهان در دی‌ماه امسال در تهران برگزار می‌شود، فدراسیون کشتی قصد دارد از ارکستر سمفونیک برای اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران و قطعه‌ای درخصوص پهلوانی و جهان‌پهلوان تختی، دعوت به عمل آورد.

«سعیدی» و «آغداشلو» از ناصر عصار گفتند

در فرانسه زیست، اما روح شرقی داشت



ابوالقاسم سعیدی و آیدین آغداشلو از نقاشی صحبت کردند که مرداد سال ۹۰ در ۸۳ سالگی در پاریس درگذشت. به گفته آنها اگرچه عصار در خارج از ایران زندگی کرد و در دوره‌ای که نقاشی مدرن رواج داشت، اما با دیدن آثار او، روح شرقی و تغزلی که در نقاشی‌های ایرانی وجود دارد، دیده می‌شود. ابوالقاسم سعیدی، نقاش ساکن پاریس که خرداد سال جاری اولین نمایشگاه انفرادی خود را در سن ۹۰سالگی در گالری شهریور برگزار کرد، بار دیگر میهمان این گالری شد تا در نشست بررسی آثار عصار شرکت کند. او درباره دوستی خود با این نقاش گفت: «عصار از نسلی بود که هرکدام از هنرمندان آن راه خودشان را رفتند، ناصر بین ما آدم باشعوری بود. فرهنگ و زبان غرب را می‌شناخت. آشنایی من با نقاشی او عجیب بود. برای بازدید از نمایشگاه تعدادی از هنرمندان به یکی از گالری‌های پاریس رفته بودم که در بین آن تابلوها، نقاشی کوچکی دیدم که هنرمندش را نمی‌شناختم. نقاشی او انتزاعی و آبستره بود و من حرف می‌زد. فردای آن روز با همکارم زنده‌رودی، قرار گذاشتم برویم او را ببینیم. آتلیه و کارگاه عصار در یکی از محله‌های شناخته‌شده پاریس بود. آنجا بود که فهمیدم با نقاش پروپاقرصی سروکار داریم که از ما جلوتر بود».

سعیدی درباره کارهای عصار عنوان کرد: «او هنرش را از تهران و با شاگردی محمدعلی حیدریان، که از شاگردان کمال‌الملک بود، آغاز کرد و بعدها به پاریس آمد و با فرهنگ فرانسه آشنا شد. کارهای او شسته‌رفته و تقریبا کامل بود. معلوم بود که سلیقه‌اش به طرف شرق دور است. تکنیک و به کاربردن قلم‌مو در آثار او خاص بود. قلم برای ناصر یک قلم چینی و ژاپنی است که وقتی به رنگ آمیخته می‌شود سنگینی قابل‌حسی دارد که این سنگینی یک نشانه ایجاد می‌کند».

او درباره نحوه کارکردن عصار گفت: «وقتی بوم می‌خرید، خودش آن را روی سه‌پایه سوار می‌کرد و کاغذی روی آن می‌چسباند که شتاب قلم‌مو را بگیرد. کم‌کم شتاب قلم او از انتزاعی به سمت اشکال فیکوراتیو رفت و گل، درخت، مناظر طبیعی، کوهستان و... دیده شد. پرتره‌هایی هم بعدها در آثارش دیده شد که بعد از فیکوراتیوها آمدند».

آیدین آغداشلو، نقاش و پژوهشگر هنر، نیز با بیان اینکه کلید اصلی معنا و مفهوم کارهای عصار خطوط چینی و ژاپنی است، گفت: «بین خوشنویسی ما و خوشنویسی چینی و ژاپنی یک اختلاف اساسی وجود دارد. در خوشنویسی آنها هر حرف با ضربه آزاد و راحت قلم‌مو شکل می‌گیرد و ممکن است شکل یک حرف در کارهای هنرمندان مختلف و حتی کارهای یک هنرمند معین، متفاوت باشد. این شکل به حرکت آزاد قلم‌مو و حس و حال هنرمند بستگی دارد اما در خوشنویسی ما به عنوان مثال اگر ۵۰۰ «ن» هم نوشته می‌شود، باید عین هم باشند. این دو هنر در عین متفاوت بودن، مقدس، مهم و هنرمندانه هستند». او صحبت‌های خود را با این پرسش ادامه داد که چرا این نوع خوشنویسی آزاد و رها برای عصار مهم شده است: «او در دوره‌ای به پاریس رفت و آن محیط در فرانسه دهه ۵۰، زمینه‌ای را فراهم کرد که علاقه‌مندان شرق دور گرد هم بیایند و کارهایشان موردعلاقه و توجه قرار بگیرد، اختلاط دوره‌ها شاید مکتب

حاضران و غایبان فجر ۳۴

کاخی که جای بزرگان نیست



شرق؛ مدت کوتاهی تا آغاز جشنواره فجر باقی مانده و بازار گمانه‌زنی‌ها درباره اینکه کدام‌یک از فیلم‌سازان در فجر امسال حضور دارند و املا فجر ۹۴، مسئله آنها هست یا نه، داغ است. دوسال پیش، همین روزها، صحبت از حضور بزرگان در جشنواره بود و بسیاری از «بازی بزرگان» سخن گفتند. سال پیش، بزرگان راهی به کاخ جشنواره نداشتند و امسال

مشخص نیست بزرگان یا جوانان، کدام‌یک تنور جشنواره را داغ می‌کنند. البته تعداد قابل‌توجهی فیلم‌آورد حضور در جشنواره سی‌وچهارم هستند، بااین‌حال برخی از آنها حتی به‌تازگی مراحل فیلم‌برداری را آغاز کرده‌اند و مشخص نیست آیا می‌توانند نسخه نهایی را در موعد مقرر به جشنواره برسانند یا نه؟ دراین‌میان فیلم‌سازان از کیفیت آثارشان صحبت می‌کنند و ظاهرا صرف حضور در جشنواره اولویت آنها نیست. اما نمی‌توان آنها را برای رسیدن به عرصه رقابت سالانه سینمای ایران بی‌میل دانست. مسعود کیمیایی، کارگردان صاحب‌نام سینما، از آن دست فیلم‌سازانی است که علاقه‌مندان آثارش منتظر دیدن تازه‌ترین فیلم او هستند. او که در تازه‌ترین فیلمش قصد دارد موضوعی اجتماعی را به تصویر بکشد، مقدمات ساخت فیلم را فراهم کرده است ولی مشخص نیست که آیا نخستین نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر خواهد بود یا نه. منصور لشکری‌قوچانی که در مقام تهیه‌کننده در کنار کیمیایی حضور دارد معتقد است که اساسا رساندن فیلم به جشنواره اولویت این کار نیست. می‌گوید: «ما توجه به جایگاه مسعود کیمیایی در سینما، تمام تلاش من این است که فضای آرامی برای کارگردان و عوامل به وجود بیاورم که بتوانند از خلاقیت‌هایشان استفاده کنند و درنهایت فیلم خوبی ساخته شود. او ادامه می‌دهد: حضور فیلم در جشنواره هم اتفاق خوبی است چراکه می‌توان ارزیابی از نقاط قوت و ضعف فیلم داشت و تلاش‌مان را برای حضور در جشنواره انجام می‌دهیم. اما اولویت اول ما نیست. کیناوش عیاری دیگر فیلم‌ساز ایرانی است که به‌تازگی پروانه ساخت فیلمش، «کانایه»، صادر شده. او در پاسخ به این پرسش «شرق» که آیا شتابی در رساندن فیلم به جشنواره دارد یا نه؟ می‌گوید: «مراحل ساخت فیلم سیر طبیعی‌اش را طی می‌کند و هرآنچه باشد ما تابع آن هستیم». او که ترجیح می‌دهد فعلا از داستان فیلم اطلاعاتی ندهد می‌گوید مشخص نیست فیلم‌برداری «کانایه» چه زمانی آغاز می‌شود: تلاش می‌کنم کار را به‌درستی انجام دهم و اگر برای نمایش در جشنواره بامه‌ها شد اقدام می‌کنم. درحالی‌که «دلم می‌خواه» بهمن فرمان‌آرا، که پیش از فجر ۹۳ آماده شده بود، در جشنواره سال گذشته نمایش داده نشد، او فیلم تازه‌ای برای ارائه در جشنواره فجر امسال نساخته. همچنین داریوش مهرجویی که در تدارک شروع فیلم‌برداری «سنوری، مرد پاییزی» است، هنوز نمی‌داند فیلمش به جشنواره امسال خواهد رسید یا نه. البته به نظر می‌رسد حضور در جشنواره فجر نیز، از اولویت‌های این فیلم‌ساز بزرگ تاریخ سینمای ایران نیست. دیگر بزرگان سینمای ایران همچون خسرو سینایی، ناصر تقوایی، رخشان بنی‌اعتماد و... نیز که فیلم تازه‌ای را آماده نکرده‌اند تا به فجر ۹۴ ارائه کنند. سیاحوش اسعدی دیگر فیلم‌سازانی است که در چند روز گذشته مقدمات ساخت فیلمش «سال تحویل» را با فیلم‌نامه مشترک به قلم خودش و نیما نادری آغاز کرده است در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که آیا نخستین نمایش فیلمش در جشنواره فیلم فجر خواهد بود یا نه، می‌گوید: نمی‌توانم به طور قطع درباره حضور فیلم در جشنواره صحبت کنم اما با

اطمینان می‌توانم بگویم که در بخش بین‌الملل جشنواره حضور دارد. او ادامه می‌دهد: «سال تحویل» فیلم‌نامه خاصی دارد و داستان این فیلم در اواخر دهه ۴۰ روایت می‌شود. ساخت‌وسازهایی به منظور فضایی که باید فیلم در آن فیلم‌برداری شود در حال انجام است که همه اینها به خودی خود زمان بر است و طبعاً برای ما کیفیت فیلم از هر چیزی مهم‌تر است. از طرفی تصور می‌کنم با توجه به حال‌وهوای فیلم، نخستین نمایش آن در بخش بین‌الملل فجر اتفاق بهتری باشد. اما حسین فرحبخش که تازه‌ترین اثر سینمایی‌اش «آب‌تاب چوبی» را در ۲۶ روز فیلم‌برداری کرده، قصد دارد نخستین نمایش فیلمش در جشنواره «فجر» باشد. او از انگیزه حضور این فیلم در جشنواره می‌گوید: «مدیریت جشنواره امسال با سالی‌های قبل تفاوت دارد و مدیریت متعالی‌تری است. برخلاف دو دوره پیشین که جشنواره به‌صورت جناحی نه به معنای سیاسی بلکه باندبازی برگزار می‌شد. علاقه‌مندم اگر فیلم من در جشنواره امسال پذیرفته شود نخستین نمایش فیلم در سی‌وچهارم جشنواره فیلم فجر باشد. ●●● «امکان مینا» کمال تبریزی، «بادیگارد» ابراهیم حاتمی‌کیا، «دختر» رضا میرکریمی، «هلن» علی‌اکبر ثقفی، «کشم‌هالیم کو» کیومرث پوراحمد، «آخرین بار کی سحر را دیدی» فرزاد موتمن، «نسیم» پرویز شهبازی، «آب‌تاب چوبی» حسین فرحبخش، «هفت ماهگی» هاتف علمبردانی، «نفیس» نرگس آبیاری، «پرسه در شهر لاجوردی» محمد علی نجفی، «ازدها وارد می‌شود» مانی حقیقی، «وارونگی» بهنام بهزادی، «قشنگ و فرنگ» وحید موسائیان، «مشکل گیتی» بهرام کاظمی، «لانتوری» رضا درمیشیان، «ابجی» مرجان اشرفی‌زاده، «نیمه‌شب اتفاق افتاد» تینا پاکروان، «خشم و هیاهو» بهمن سیدی، «یک شهروند کاملا معمولی» مجید بزگر، «یتیم‌خانه ایران» ابوالقاسم طالبی، «دراکولا» رضا عطاران، «نیم‌چرخه» زنده‌یاد ایرج کریمی، «صاف‌کننده» مصطفی کیایی، «نگار» رامبد جوان، «سیانور» بهروز شعیبی، «ایستاده در غبار» محمدحسین مهدویان، «بل‌خواب» اکتای براهنی، «گذر موقت» افشین هاشمی، «مغز نارنجی» مهدی خسروی، «در سکوت» ژرژ هاشم‌زاده، «دم‌کلفت» سعید سهیلی، «برادرم خسرو» احسان بیگلری، «ارادتمند نازنین، بهاره و تینا» عبدالرضا کاهانی، «تمرینی برای اجرا» محمدعلی سجادی، «من» سهیل بیرقی، «به‌دنیام‌دن» محسن عبدالوهاب، «عادت نمی‌کنیم» ابراهیم ابراهیمیان، «فراری» علیرضا داوودنژاد، «آه ای عبدالحلیم» احسان عبدی‌پور، «خرمگس» محمدرضا هنرمند، «نقطه کور» مهدی گلستانه، «زوده‌شده» یژن میرباقری، «دلبری» سیدجلال دهقانی، «بری دریایی» امیرمسعود آقابابائیان، «روبه‌رو» رایبا نصیری، «دعوت‌نامه» مهرداد فرید، «خانه یحیی» حمیدرضا قربانی، «ماه بر فراز زیر آب» سیامک شایقی، «عشق سال‌های کوچ» کامران قدکچیان، «عقربه روی ۲۲۰» علیرضا امینی، «سینما نیکت» محمد رحمانیان، «هم نام» کیوان علی‌محمدی و امید بنگدار، «ماچی» داود خیام، «پلیس بازی» پیمان قاسم‌خانی، «سروای ۲» مسعود دهنکی‌اسی جمله فیلم‌های متقاضی حضور در جشنواره سی‌وچهارم هستند.

طبق آیین‌نامه جشنواره فیلم فجر ۱۵ آذر، آخرین فرصت تکمیل فرم درخواست در جشنواره است و ۱۵ دی زمان نهایی تحویل نسخه فیلم به دبیرخانه؛ با این زمان اندک باید دید درنهایت چه فیلم‌هایی در این رویداد مهم سینمایی کشور ثبت خواهند شد؟

هیچ وقت ندیده بودم.

● صابری‌وند: حتی در کشورهایی که الفبای لاتین ندارند مثل ژاپن؟ در ژاپن الفبا مثل یک نوع شکل یا تصاویر است یا زبان آنها شبیه یک الفبای سمبلیک است که هریک از حروف نمی‌تواند علامت باشد بلکه نشان از یک عقیده است. کالیگرافی چین یا ژاپن با «ایدئوکرافی» شکل گرفته است. کالیگرافی آنها بر اساس ایده است اما در کالیگرافی ایران چون الفبا دارد، واژه‌ها و الفبا در خدمت تصاویر هستند؛ تصاویری که درون آنها الفبا وجود دارد و این موضوع را در هیچ کجای دیگر ندیدم.

● امین الهی: اما آنچه را که شما آن کالیگرافی ایرانی می‌بینید، بیشتر جنبه دکوراتیو دارد و قاعده‌ا از آن مفهومی دریافت نمی‌شود. این‌طور نیست؟ درست است. من زبان شما را نمی‌دانم اما متوجه هستم که این حروف به دنبال پیغامی هستند. شاید مفهوم واقعی را متوجه نشوم اما به دنبال این هستم که ببینم این حس قرار است چه چیزی را بیان کند. در نمایشگاه رضا عابدینی دوست داشتم کارها را بخوانم تا ببینم چیست. بازی با ریشه‌ها جالب و جذاب بود و دوست داشتم ببینم خوانش آنها چیست.

زیاد، کم است

در پشت چشمانتان حک شود. به همین دلیل جنبه حافظه‌ای ندارد.

● صابری‌وند: آیا احساس کرده‌اید که باید به فرهنگ کشور اسپانیا متعهد باشید و آن را در کارتان انعکاس دهید؟

من خودم بخشی از فرهنگ اسپانیا هستم و نمی‌توام خودم را از آن کنار بکشم. سنت، دانش و جایی که در آن خودمان را شکل می‌دهیم، این چیزی است که ذهنمان را تشکیل می‌دهد و باعث می‌شود با آنچه در ذهنمان است، کار کنیم. چون خواه ناخواه به یک مکان خاکی و هویت فرهنگی مرتبط هستیم اما مشکلی که اینترنت ایجاد کرده، این است که تمام دنیای تصاویر به‌هم وصل شده‌اند. اینترنت با ازبین‌بردن جانمایی‌های مکانی و مفهومی باعث می‌شود کارهایی که از نظر ظاهری شبیه هم هستند در تمام دنیا شکل بگیرند به‌غیر از ایران.

● صابری‌وند: مگر چه چیزی در گرافیک ایران دیده‌اید؟

سنت کالیگرافی و ترکیب آن با گرافیک. این اتحاد میان تصویر و واژه را در هیچ کجای دیگر ندیده بودم. کالیگرافی ایرانی را

خبر سازان

سخنگوی ارشاد:

فهرست ممنوعیت فعالیت برخی خوانندگان تصویب شد

● شرق؛ پس از آنکه هم‌راه سال جاری معاون هنری ارشاد، فهرست ممنوع‌الکاری برخی خوانندگان را کذب دانست، سخنگوی ارشاد در تازه‌ترین صحبت‌هایش عنوان کرد: «فهرستی که قبلاً از ممنوعیت فعالیت برخی خوانندگان منتشر شد، توسط وزارت ارشاد تصویب شده است». به گزارش «ایسنا» حسین نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد در نشست خبری که دوشنبه، نهم آذر، در سالن جلسات این وزارتخانه برگزار شد، درباره ممنوعیت فعالیت برخی خوانندگان گفت: «حرف ما با کسانی است که آگاهانه با شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی مصاحبه می‌کنند یا برای محصولانشان با آنها ارتباط دارند. تذکرات لازم به آنها داده شده و اگر بر این همکاری اصرار کنند، برخورد قانونی صورت می‌گیرد و برای گرفتن مجوز و اجرای‌های بعدی با مشکل روبه‌رو می‌شوند». او ادامه داد: «کسانی که ارتباط رسمی با این شبکه‌ها ندارند، مشمول برخورد‌ها و ممنوعیت‌ها نخواهند شد. فهرستی که قبلاً از ممنوعیت فعالیت برخی خوانندگان منتشر شد، توسط وزارت ارشاد تصویب شده است». سخنان نوش‌آبادی در حالی درباره تصویب این فهرست از سوی وزارت ارشاد عنوان شده است که در هم‌راه سال جاری شایعه ممنوع‌الکاری ۲۴ خواننده در فضای مجازی منتشر شد. چند روز پس از آن خبرگزاری‌های رسمی نیز با بازتاب این موضوع به پیگیری صحت این موضوع پرداخته اما علی مرادخانی، معاون هنری ارشاد، در واکنش به این خبرها گفته بود: «من به هیچ‌وجه دنبال ممنوع‌الکاری هنرمندان نبوده و نیستم. همیشه سعی کرده‌ایم شرایط را به گونه‌ای فراهم کنیم که آنها بتوانند داخل کشور فعالیت کنند و مشکلی نداشته باشند. بنابراین چنین خبری نمی‌تواند صحت داشته باشد». البته در همان زمان هم گفته‌های مسئولان وزارت ارشاد با یکدیگر متناقض بود، چنان‌که فرزاد طالبی، سرپرست دفتر موسیقی وزارت ارشاد، به «مهر» گفته بود: «اگر هم ممنوع‌الکاری در این فضا به وجود آمده باشد، قطعاً دائمی نیست و راه‌حل قانونی نیز در این زمینه وجود دارد».

روژ

از تهران به پاریس...سلام!

صدرا صدوقی

● پس از وقوع انفجارهای تروریستی در شهر پاریس، همه رسانه‌ها دست‌به‌کار شدند و اخبار این انفجار مهیب و عجیب در صدر اخبار جهان قرار گرفت. صدها نفر کشته و زخمی شدند و هر روز اخبار جدیدی از تعداد کشته‌شدگان منتشر می‌شد. حمله‌کنندگان انتحاری (گویا هفت نفر بوده‌اند) نیز خودشان مرده‌اند! می‌دانید اینها معمولاً در زندگی‌شان دو تاریخ مضبوط دارند: ۱- تاریخ تولد ۲- تاریخ انفجار!

منفجرکنندگان، خودشان هم منفجر شدند... شاید صدای شیون و جان زخمی‌ها و بانامندگان فوت‌شده‌ها تا تهران هم به گوش می‌رسد! مسابقات ورزشی همه تعطیل شدند، مدرسه‌ها بسته شدند و هیچ هواپیمایی در فرودگاه پاریس فرود نمی‌آمد، شاید البته هواپیمایی بلند شده بود... نمی‌دانم! عزای عمومی اعلام شد، گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌ها هر روز ستون‌های خالی‌مانده جراید را پر می‌کرد! یکی می‌گفت: کار خودشان است! یکی می‌گفت ایمن الظواهری از کوه‌های توراتورا ویدیویی منتشر کرده که کار ما بوده است! دیگری در جایی گزارش داده بود رئیس داعش با آن پرچم سیاه عجیب‌وغریبان گفتم است: ما آنها را به جهنم فرستادیم! خلاصه، سابقه بود بر سن و خون و جان آدم‌ها... دیگری می‌گفت: ای بابا! دختر حمتشان کند... پاریس‌ها را! در همین اثنا و هیاهوها که بوی خون و مرگ می‌آمد و سابقه بود برای گرفتن جان آدم‌ها... این دفتر شعر از انتشارات مروارید را می‌خواندم: «تو همچون پاریس زیبایی، / سروده «غلامرضا معدنی‌پور» شاعر عزیز و دوست‌داشتنی که از خوش حادثه، معلم من است این‌گونه سروده است: / گیم روی زیبای «پاریس»، / سرْخه_خون کردید/ در غرقاب زشتی‌اتان/با نام زیبای پاریس چه خواهید کرد؟ /کیرم زلال زیبای آب را گل کردید/بر دمشقِ عشق، /با آبیروی رفته‌اتان چه خواهید کرد؟ / کیرید و کیرم/عروس شهر مینا به خاور/را سیاه‌پوش کردید/در عروسی خون/بر بیروتیان مُذهب به مذهب/با داماد سیاه‌پوش حجله‌نشین منتظر به عروس /چه خواهید کرد /به گاه روی آرو؟ / کیرم و کیرید و کیرند/که هر زیبا و زلال و عروس و داماد و عشق و معشوق و عاشق/را /زدید و بردید و کشید و کُتن نمودید و خون کردید و خونابه جاری کردید و خون به‌با کردید:/ با زمین و زمان و زمانه چه خواهید کرد؟ / شاعر این‌گونه است دیگر، وسط جنگ و دعوای می‌گوید: پاریس زیباست... و زیبا می‌ماند... من هم دوباره می‌گویم: از پاریس به تهران... سلام!



همای
کارگردان:
محمدعلی سجادی